

دولت مدرن، قبیله گرایی مدرن و اضمحلال حکومت پهلوی

✦ محمدابراهیم سینایی

<http://www.irdc.ir/fa/content/15665/default.aspx>

رضاشاه نوع دیگری از قبیله گرایی را که ماهیتاً تفاوتی با قبیله گرایی قجرها و دیگر حکومت‌های ایرانی نداشت بلکه مخاطرات فراوانی را نیز برای ایران به وجود آورد در کشور باب کرد. وی با دراز کردن دست دوستی و تمایل به قدرتهای خارجی با پیوند زدن منافع خود با منافع دول بیگانه نه تنها نوعی ساختار قبیله ای متفاوت از قبل را در ایران ایجاد نمود بلکه حتی بسترهای حضور و دخالت مستقیم دول غربی را در ایران فراهم ساخت. اساساً ریشه و منشا شکل گیری قبیله گرایی مدرن در جامعه ایرانی که به ویژه در دوران حکومت پهلوی دوم و به طور ویژه در سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اوج گرفت را باید در سیاستهای دوران پهلوی اول جستجو نمود. این نوع از قبیله گرایی از پارامترهای به مراتب مخربتری از شکل اول قبیله گرایی برخوردار است.

پیرامون ظهور و بروز انقلاب اسلامی ایران نظریه های گوناگونی مطرح گردیده است. برخی اندیشمندان در پارادایم مارکسیسم، برخی دیگر در پارادایم لیبرال و برخی نیز در پارادایم اسلامی پدیده انقلاب اسلامی ایران را تحلیل و تبیین نموده اند. نکته ای که تمام نظریه پردازان در آن اتفاق نظر دارند نقش ماهیت رژیم پهلوی در روند پیروزی انقلاب بوده است. ساختار سیاسی حکومت پهلوی دوم به ویژه در سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد بر اساس مدل دیکتاتوری استوار گردیده بود. از جمله مشخصه های بارز حکومتهای دیکتاتوری شکل گیری شبکه های مختلف قدرت در درون حاکمیت برای حفظ و بقای حکومت و شکل گیری ساختارهای قومی، قبیله ای، فامیلی و حزبی می باشد. رویکرد قبیله گرایانه به عنوان بارزترین ویژگی حکومتهای دیکتاتوری در خود تمرکزگرایی افراطی را نهفته دارد که به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان این تمرکزگرایی که همواره علیه منافع ملت ایران به کار رفته از جمله عوامل نابودی حکومت پهلوی بوده است.

ریشه رفتار قبیله ای در فضای دولتی و حکومتی ایران به سنت سیاسی جامعه ایرانی بازگردد، سنتی که همواره به دلیل ساختار ایلی و قبیله ای ایران عامل اصلی و اساسی در ظهور و یا نابودی يك دولت بوده است. نگاهی به تاریخ ایران به خوبی گواه آنست که منشا بسیاری از حکومتهای ایرانی قبیله و ایل بوده است. خاستگاه اصلی قاجاربه، زندیه، افشاریه، صفویه و بسیاری از حکومتهای ایرانی قبیله بوده است. این وضعیت اما در حکمرانی رضا شاه به گونه متفاوتی استمرار یافت به گونه ای که می توان از ظهور قبیله گرایی مدرن در دوران رضا شاه یاد کرد. وی با پیاده کردن سیاستهایی نظیر "تخت قاپو" به دنبال ایجاد دولت مدرن و مطلقه در ایران بود. وی برای پیاده کردن سیاستهای خود در راستای مدرنیزه نمودن ایران از آنجائیکه از جایگاه و پایگاه مردمی مناسبی برخوردار نبود دست دوستی به سوی قدرتهای خارجی دراز کرد و در راستای پیاده سازی بسیاری از سیاستها که غالباً در تعارض با سنت ملت ایران بود نیاز به پشتوانه خارجی داشت. تفاوت عمده ای که میان رویکرد قبیله گرایانه حکومت رضا شاه با دیگر حکومتهای ایرانی در طول تاریخ وجود داشته است به نوع همین مناسبات رئیس قبیله پهلوی با دول خارجی باز می گردد.

رضاشاه نوع دیگری از قبیله گرایي را که ماهیتاً تفاوتی با قبیله گرایي قجرها و دیگر حکومت‌های ایرانی نداشت بلکه مخاطرات فراوانی را نیز برای ایران به وجود آورد در کشور باب کرد. وی با دراز کردن دست دوستی و تمایل به قدرتهای خارجی با پیوند زدن منافع خود با منافع دول بیگانه نه تنها نوعی ساختار قبیله ای متفاوت از قبل را در ایران ایجاد نمود بلکه حتی بسترهای حضور و دخالت مستقیم دول غربی را در ایران فراهم ساخت. در حکومت‌های قبلی بیگانگان هیچگاه به گونه مستقیم در امور ایران دخالت نداشتند. حتی در دوران زمامداری حکومت و حکمرانان بی کفایت قاجار دولتهای بیگانه به دلیل هراس از واکنش پادشاه و دربار قاجار به خود اجازه دخالت مستقیم در امور داخلی ایران را نمی دادند و اگر دخالتی هم می خواستند در امور داخلی و خارجی ایران انجام دهند از طرق گوناگون غیرمستقیم از جمله به کارگیری مستشاران بهره می بردند. تفاوت عمده میان رویکرد قبیله گرایانه دولت پهلوی با حکومت‌های پیشین نیز در همین نکته نهفته است در دولتهای قبلی اگر قبیله زند ضعیف می شد حکومت به دست قبیله ای از قبایل ایرانی که در بسیاری از پارامترها از جمله مسلمان و ایرانی بودن تفاوتی با قبیله زند نداشت بر اریکه قدرت تکیه می زد اما در شکل جدید قبیله گرایي شاهد حضور مستقیم و بلاواسطه رجال و نیروهای بیگانه از کشورهای انگلیس و ایالات متحده که در پارامترهای گوناگون از جمله شریعت و نژاد هیچگونه قرابتی با جامعه ایرانی نداشته اند بوده ایم. اساساً ریشه و منشا شکل گیری قبیله گرایي مدرن در جامعه ایرانی که به ویژه در دوران حکومت پهلوی دوم و به طور ویژه در سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اوج گرفت را باید در سیاست‌های دوران پهلوی اول جستجو نمود. این نوع از قبیله گرایي از پارامترهای به مراتب مخربتری از شکل اول قبیله گرایي برخوردار است.

فقدان عقلانیت در فرآیند تصمیم گیری، ورود پارامترهای فردی و حب و بغضهای شخصی، قدرت طلبی جمعی، از جمله بارزترین مشخصه های رویکرد قبیله گرایانه پیشامدرن می باشد. در شکل جدید قبیله گرایي در ایران علاوه بر ویژگیهای ذکر شده دخالت مستقیم و بلاواسطه دول بیگانه در فرایند تقنین، اجرا و حتی پیگیری قضایی را نیز باید اضافه کنیم. قوانینی چون کاپیتولاسیون از جمله نتایج و محصولات رویکرد قبیله گرایانه مدرن در ایران است.

قبیله گرایي سیاسی از جمله آفت‌هایست که همواره در روند حرکتی يك جریان به ویژه جریانانات برخاسته از انقلاب نیز تاثیرگذار بوده است. قرن بیستم شاهد انقلابهای گوناگونی بوده است که بسیاری از آنها در روند حرکتی خود با این آفت مواجه شده و به بیراهه ای رفتند که هیچگاه در آرمانهای اولیه انقلابیون جایگاهی برای آن تعبیه نشده بود. قبیله گرایي در امور گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از جمله مواردیست که همواره به عنوان يك آفت اساسی در روند حرکتی انقلاب اسلامی مورد تاکید و عنایت مقام معظم رهبری نیز بوده است. ایشان در دوره های گوناگون همواره بر پرهیز از رفتارهای قبیله ای به ویژه از سوی سیاسیون تاکید داشته اند. تابستان ۹۰ آخرین مرتبه ای بود که ایشان به نوع ویژه بر این مفهوم تاکید گماردند و سیاسیون و به ویژه نخبگان را از رفتارهای قبیله ای بر حذر داشتند.